

تفاوت های سه واژه «انسان، آدمی، بشر»

همیشه گفته‌ام و می‌دانیم که هیچ چیز پایدار نیست و کلا پایداری پدیده در هستی نداریم. و فقط تغییر است که برای همیشه پایدار خواهد ماند. به همین منظور باید مطمئن باشیم هیچ واژه‌ای نیز پایداری معنایی و مفهومی ندارد و هر واژه باید پیوسته در بازه مکان و زمان با تغییر همگام گردد. براین مبنا با آنکه سه لغت انسان، آدم و بشر که نزد زبان شناسان و در ترمینولوژی لغت شناسی هیچ تفاوتی ندارند و معمولا مترادف و هم معنا و در یک ردیف شمرده می‌شوند. ولی در واقع همانطور که بیشتر لغات در ترمینولوژی تخصصی، معانی و مفاهیمی اضافه و متغیر بر خود می‌گیرند. این سه واژه نیز در مواقع لزوم همتایی خود را از دست می‌دهند و از منظر کاربردی، از معنا و مفهومی متفاوت و مجزا برخوردار می‌گردند. بدین لحاظ ضمن اینکه این کلمات در همه جا کاربرد تقریبا یکسان دارند و می‌توان اینان را بجای یکدیگر بکار برد، ولی از بعدی دیگر نیز این امکان وجود دارد تا در محتوای علوم اجتماع شناسی و انسان شناسی، معنا و مفهومی گوناگون را کسب کنند. بدین معنا که هرچند در کل این سه واژه همتایی و همسایگی یک گونه دارند و همگی یک کالبد و قالب با وضعیت همسان را تعریف می‌نمایند. ولی در پوشش و محتوی شناخت شناسی جامعه و انسان، این واژه انسان است که از نقش ممتاز و جایگاه مفهومی متمایزی در بین سه لغت برخوردار می‌باشد. برای روشن شدن و فهم علمی موضوع، تعاریف اخص این سه را در حوزه‌های انسان شناسی و جامعه شناسی با صورت و شرح زیر بیان می‌نماید:

آدمی: در اصل همان انسان اولیه است که هنوز به شرایط تمدن سازی و ایجاد مدنیت و ابزارسازی نرسیده و بیشتر زندگی ابتدایی و غارنشینی داشته است. این انسان ابتدایی قاعدتا هوشمندی و شعور انسان امروزی را نداشته و شاید بتوان گفت تعلق بیشتری به حیاط و دوران توحش داشته است. لغت آدم با شکل و شمایل آن دوران در تکنیک زبان انگلیسی با واژگانی چون (human beings و homo sapiens) معنا می‌گردد. در کتب مقدس برخی ادیان لغت آدم به نخستین انسان خلق شده از طرف خداوند تعلق دارد. آدم و حوا دو انسان نخستین در هستی بوده و نیاکان بشریت امروزی نامیده می‌گردند (adam & eve).

بشر: بشر ضمن اینکه اشاره‌ای کلان به موجودی با شکل آدمی دارد. اما برخلاف دو مورد دیگر که می‌توانند نشانگر ماهیت فردی نیز باشند، دقیقا به موجودیتی فرافردی اطلاق شده و کلا بیانگر کلیتی جهانی و شمولی فراابومی می‌باشد. در زبان انگلیسی، بشر را با مفهوم مزبور با لغات (mankind , humankind or The human race) معنا می‌کنند.

انسان: انسان یا human همان آدم کامل شده در طبیعت است. انسان موجودی است که از عقل و هوشی سرشار و نامتناهی برخوردار می‌باشد و دقیقا با مختصات متمایز خود، توانمندی بی نظیری در میان جانداران هستی دارد. این انسان می‌تواند با بهره گیری از دانش و علوم مفید و تعالی بخشی خودش، عرصه زیست و جامعه را مدیریت و حتی شاید بر کیهان اثر گذارد. بطور کلی انسان همان آدم توانمند شده است.